

بازخوانی انتقادی عملیات روانی رسانه‌های آمریکا در موضوع حقوق بشر: با تأکید بر قوم بلوچ در ایران

یاسر اسماعیل زاده امامقلی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱

فاطمه مشهدی بندانی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۵

۴۳

چکیده

یکی از کارآمدترین ابزارهای عملیات روانی برای ایالات متحده آمریکا «رسانه» است تا از این طریق بدون مواجهه نظامی، به اهداف استعماری خویش در کشورهای هدف برسند. از سویی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، آمریکا توجه خود را برای مبارزه با جمهوری اسلامی ایران به سمت «حقوق بشر» و استفاده از مسئله «قومیت‌ها» معطوف داشت. وضعیت اقلیت‌های مذهبی - عقیدتی و حقوق اقوام در ایران یکی از موضوعات اصلی حقوق بشری است که آمریکا در رسانه‌های خویش پی‌گیری می‌کند تا ضمن برهم زدن ثبات سیاسی و یک‌پارچگی سرزمینی ایران، به ایجاد و تشدید بحران‌های داخلی دامن بزند.

مقاله حاضر ضمن تعریف حقوق بشر به نقش آمریکا در پیش‌برد مقاصد خویش با استفاده از عملیات روانی در گروه‌های قومی برای ایجاد بحران و حتی «اعلام خودمختاری و تجزیه‌طلبی» می‌پردازد و استفاده از این حربه تبلیغاتی را در مورد قوم بلوچ در رسانه‌ها بررسی می‌کند. در این پژوهش، تلاش شده است تا از تئوری انتقادی برگرفته از مکتب «فرانکفورت» برای تبیین استفاده ابزاری از حقوق بشر توسط آمریکا علیه ایران استفاده شود.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، عملیات روانی، قومیت، قوم بلوچ، آمریکا

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، عضو باشگاه پژوهشگران و نخبگان، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

esmailzadehyaser@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مهندسی صنایع (مدیریت صنایع (مدیریت سیستم و بهره‌وری)

Fa.mashhadi.b@gmail.com

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی، سال هجدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵، صص ۷۲ - ۴۳.

◆ آمریکاشناسی . اسرائیل‌شناسی

اصطلاح «حقوق بشر» در متن یک نهضت اجتماعی و سیاسی در فرانسه به وجود آمد و برای اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه به کار رفت. سپس همین عنوان در اعلامیه حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد استفاده قرار گرفت. (مهرپور، ۱۳۷۸)

حقوق بشر از شعارهای نمادینی است که آمریکا با استفاده ابزاری از آن سیاست خصمانه خود با ایران را پیش می‌برد. موضوعی که در گزارش اکتبر ۲۰۱۵ اندیشکده شورای سیاست خارجی آمریکا (AFPC) نیز مورد تأیید قرار گرفته و پیرامون آن عنوان شده است: «برجام، نه تنها پتانسیل دموکراسی در ایران را بالا نمی‌برد، بلکه نقطه کورکننده راه دموکراسی در آینده است؛ زیرا تسلیم آمریکا در برجام، از عزت و قدرت آمریکا در نظر دموکراسی‌خواهان ایرانی کاسته و این امر این کشور را از مسیر دموکراسی‌سازی آینده در ایران دور کرده است. لذا برای حل این مشکل باید ضمن نظارت محکم بر عملکرد هسته‌ای ایران، موضوع عدم رعایت قوانین انسانی در این کشور را نیز پررنگ کرد، به طوری که وجهه ایران به عنوان ناقض حقوق بشر در عرصه جهانی تخریب شود.» (افق آینده پژوهی راهبردی، ۹۴/۱۱/۱۸)

صدور قطعنامه‌های یک‌جانبه در سال‌های اخیر، کمک‌های مالی به گروه‌های مخالف و معاند ایران برای تضعیف موقعیت نظام و مشروعیت‌زدایی از جمله این اقدامات است. نقض حقوق بشر بهانه‌ای برای کشور آمریکا برای منزوی ساختن ایران در جهان و پیاده نمودن نقشه جداسازی دولت از ملت و تقویت درگیری‌های داخلی در ایران است. ساختار جغرافیایی کشور و سکونت اقوام در مرزهای ایران، فضای مناسبی را برای سوءاستفاده گروه‌های مخالف نظام در جهت ایجاد مسائل امنیتی فراهم نموده است. از سوی دیگر، یکی از مسائلی که دشمنان نظام از آن برای پیش‌برد منافع خویش استفاده می‌نمایند، دفاع از حقوق اقوام و اقلیت‌های ایرانی در بستر دفاع از حقوق بشر است. آمریکا و متحدانش که نتوانستند با عملیات نظامی، ایران را شکست بدهند، اکنون بودجه زیادی به رسانه‌هایی اختصاص می‌دهند که در آن با ایجاد عملیات روانی به برجسته‌سازی نقض حقوق بشر در ایران و وجود تبعیض‌های قومی - مذهبی در کنار سایر تبلیغات منفی خود علیه ایران می‌پردازند.

از اواسط قرن بیستم، جنگ به‌عنوان ابزار سیاست خارجی میان قدرت‌های بزرگ روند رو به افولی را گذارد و کشمکش‌ها میان قدرت‌های بزرگ ماهیت روانی پیدا کرد. درست است که به گفته مورخین در دوران پنجاه ساله جنگ سرد، کشمکش میان قدرت‌های بزرگ شکل رقابت‌های اقتصادی را به‌خود گرفته بود، اگر نیک بنگریم، دستاوردهای اقتصادی پاداش پیروزی قدرت‌هایی بودند که در دوران جنگ سرد، اذهان مردم جهان را به‌نفع خود تغییر داده بود. به عبارت دیگر، در دوران جنگ سرد، تصور اذهان مردم که مستلزم انجام عملیات روانی بود، جای عملیات نظامی را گرفته بود و نتیجه‌های آن به‌صورت‌های اقتصادی و تصرف بازارهای اقتصادی نمود پیدا می‌کرد. فعالیت رسانه‌های همگانی غربی به‌خصوص برنامه‌های بی.بی.سی، صدای آمریکا و رادیو آزادی در اروپای شرقی و شوروی بخشی از عملیات روانی کشورها در دوران جنگ سرد بودند که به اعتقاد تحلیل‌گران در فروپاشی پیمان ورشو و بعد شوروی نقش کلیدی را بازی کردند. در سال‌های پس از جنگ سرد، باز هم عملیات نظامی به نفع عملیات روانی عقب‌نشینی کرد. (Arquilla & Ronfeld:1996)

عملیات روانی در حوزه‌های گوناگون برای تاثیر در افکار عمومی کشور مقصد استفاده می‌شود که مهم‌ترین ابزار آن نیز رسانه است. پژوهش‌هایی درباره حقوق بشر و جنگ نرم یا نقش رسانه در عملیات روانی آمریکا انجام شده است، اما نقش دفاع از حقوق اقوام و قوم بلوچ در این زمینه به‌صورت مشخص بررسی نشده است.

چارچوب نظری و مفهومی

عملیات روانی

عملیات روانی تعاریف متعددی دارد که در اینجا سعی شده جامع‌ترین آنها آورده شود. عملیات روانی نوعی آگاهی کاذب است که با القای آن به گروهی از مخاطبان سعی می‌شود رفتاری مغایر با منافع اصیل و واقعی ایشان به آنها تلقین شود و باعث انجام عملی دگرگون با خواست واقعی آنها گردد. (بیابان نورد، ۱۳۸۳: ۴۴)

تعریف دوم ناظر بر دوره مدرن است: عملیات روانی، عملیات طراحی شده‌ای برای انتقال اطلاعات و شاخص‌های انتخاب شده به مخاطبان خارجی به‌منظور اثرگذاری بر احساسات

(هیجانان)، انگیزه‌ها، استدلال بی‌طرفانه و سرانجام، رفتار حکومت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد خارجی است. (لمپ، ۲۰۰۵: ۲۵)

عده‌ای هم اعتقاد دارند که اصطلاح عملیات روانی، همان واژه جنگ روانی است و جنگ روانی نیز همان واژه تبلیغات است و این تبدیل اصطلاحات ارزش افزوده‌ای را به دنبال ندارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۷)

عملیات روانی عبارت است از: «بهره‌گیری هوشمند و هدفدار از تبلیغات، شایعات و سایر اعمال مشابه آن به منظور اثرگذاری بر نظرات، احساسات، ذهنیت‌ها و رفتار افراد جامعه.» (صلاح‌نصر، ۱۳۸۰: ۸۵)

اصطلاح دیگری که جایگزین جنگ روانی شده و امروزه کاربرد وسیعی یافته، اصطلاح عملیات روانی است که عبارت است از: عملیات مدون برای ارسال اطلاعات و اخبار گزینش شده به مخاطبان، برای تاثیر بر هیجانان، انگیزه‌ها، شیوه استدلال و سرانجام رفتار دولت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها، و افراد آماج. (الیاسی، ۱۳۸۲)

به‌طور کلی عملیات روانی یک فرایند اطلاع‌رسانی و اثرگذاری به‌شمار می‌آید که در زمان جنگ و صلح برای اطلاع‌رسانی و اثرگذاری بر آن به‌کار گرفته می‌شود. این نوع عملیات اگر به‌درستی اجرا شود با تضعیف انگیزه نیروهای دشمن برای جنگیدن می‌تواند جان نیروهای خودی و دشمن را حفظ کند. عملیات روانی همچنین با تضعیف روحیه دشمن و کاهش میزان کارایی نیروهایش می‌تواند آنها را از اجرای عملیات تهاجمی بازداشته، با ایجاد یک حالت مخالفت و بی‌میلی در صفوف یگان‌های دشمن سرانجام آنها را وادار به تسلیم کند. (علمایی و حیدری، ۱۳۸۸)

مهم‌ترین مخاطبان عملیات روانی نیز عبارتند از: مردم، احزاب، سیاستمداران، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادهای دولتی و غیردولتی، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی. (سلطانی‌فر، ۱۳۸۲: ۱۳۶)

حقوق بشر

در لغت حق را به معنای ثبوت، ضدباطل، وجوب (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ۱۴۶) موجود ثابت، مطابقت و موافقت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۴۶) گفته‌اند.

همچنین، حق را قرار گرفتن چیزی در موضع خودش، که آن موضع برای وی در نظر گرفته

◆ *شکلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی، اسرائیل‌شناسی، سال هجدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵*

شده است، گفته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ۱۰۱) و عده‌ای هم با بررسی معانی این واژه در لغت‌نامه‌های مختلف معنایی که در همه کاربردهای آن لحاظ شده است را ثبوت به همراه مطابقت با واقع دانسته‌اند. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۶۲)

در فرهنگ‌های فارسی نیز از حق به معنای راست، درست، ضد باطل، ثابت، واجب، کاری که البته واقع شود و ... یاد شده است. (فرهنگ عمید، ۱۳۶۹)

معنای اصطلاحی

۴۷

حقوق (جمع حق)، مجموعه مقرراتی است که در زمان معین بر جامعه‌ای حکومت می‌کند. تا آنجا که تاریخ به یاد دارد، انسان همواره در بند این گونه الزام‌ها بوده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۲)

حقوق بشر

حقوق بشر به فرانسه Droits Lhomme و به انگلیسی Human Rights و به عربی «حقوق - الانسان» نامیده می‌شود. دکتر محمدعلی موحد حقوق بشر را این گونه تعریف نموده است: «حقوق بشر یعنی آنکه جان و مال آدمی آزاد باشد و او بتواند به زبان قلم با دیگران سخن بگوید؛ حقوق بشر یعنی آنکه نتوان کسی را بدون حضور یک هیئت منصفه متشکل از افراد مستقل به مجازات محکوم کرد؛ یعنی آنکه محکومیت کیفری بر حسب مقررات قانونی صورت گیرد؛ یعنی اینکه انسان بتواند با آرامش خاطر به هر دین که خود برمی‌گزیند، متدین گردد.» (موحد، ۱۳۸۱)

تعریف واحدی از مفهوم حقوق بشر ارایه نشده است و توافقی در این مورد وجود ندارد و این مفهوم بارها بازتعریف شده و در هر دوره، مکتب و صاحب‌نظری از منظر خود به این موضوع نگریده و چارچوب آن را تبیین کرده است. به بیان کلی، «حقوق بشر» حقوق بنیادین و انتقال‌ناپذیری است که برای حیات نوع بشر، اساسی دانسته می‌شود؛ «یعنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارها است که موضوعشان حمایت از مقام، منزلت و کرامت انسانی است.» (ذاکریان، ۱۳۸۳)

در تعریفی دیگر «حقوق بشر به مجموعه حقوقی که به سکنه یک کشور اعم از بیگانه و تبعه در مقابل دولت داده شود، گفته می‌شود.» در مسأله حقوق بشر «امر تابعیت» نباید دخالت داده

◆ فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی، اسرائیل‌شناسی، سال هجدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵

شود؛ زیرا این حداقل حقوقی است که انسان هر جا که هست، باید دارا باشد. در همین معنی حقوق انسان هم به کار می‌رود. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۶۳: ۲۳۱)

تعریف حقوق بشر از دیدگاه دین

از دیدگاهی دیگر «حقوق عبارت است از مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تأمین سازد.» (جوادی‌آملی، ۱۳۷۵)

نظریه انتقادی

مقصود از نظریه انتقادی، نظریه‌ای است که متفکر و محقق بر اساس آن به بررسی مجموعه مسائلی می‌پردازد که چارچوب نظری نقد نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهد و یا به کشف تضادهای آن می‌پردازد تا نوعی نظام اجتماعی فاقد این تضادها را جستجو کند. این نظریه با هدف رفع نواقص و ایجاد تکامل به کشف تضادها می‌پردازد. (شعبانی ورکی، ۱۳۸۳: ۹۵)

دو فیلسوف و جامعه‌شناس نئومارکسیست^۱ آلمانی، ماکس هورکهایمر^۲ و تئودور آدورنو^۳ در سال ۱۹۳۰ مکتب فرانکفورت و نظریه «انتقادی - دیالکتیکی» را که «فلسفه اجتماعی انتقادی» نیز نام گرفته است، با فعالیت‌های خود در مؤسسه تحقیقات اجتماعی شهر فرانکفورت بنیان گذاشتند. در طول سلطه نازی بر آلمان این مؤسسه عملاً به شهرهای ژنو و سپس به نیویورک و لس‌آنجلس نقل مکان کرد. اما کار بر روی بنیان‌های این مکتب، از جمله نظریه انتقادی همچنان ادامه داشت. در واقع عنوان نظریه انتقادی به نگارش برنامه‌ریزی شده مقایسه‌ای با عنوان «نظریه سنتی و نظریه انتقادی»^۴ از «ماکس هورکهایمر» بازمی‌گردد که بعدها در قالب کتابی با همین عنوان به چاپ رسید و این اثر

^۱. Neomarxist

^۲. Max Horkheimer

^۳. Theodor Adorno

^۴. Orthodox Theory and Critical Theory

به نوعی، در کنار مهم‌ترین اثر فلسفی این مکتب یعنی «دیالکتیک روشنگری»^۱، در اصل مانیفیست^۲ آغازین مکتب فرانکفورت محسوب می‌شود. نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت پیرو سنت فلسفی هگل و در برخی گرایش‌های فرعی، پیرو «کانت» هستند. در عین حال وجه مشترک تمامی گرایش‌های موجود در این مکتب ناسازگاری با شرایط حاکم و نقد مناسبات موجود اجتماع است که نظریه‌پردازان این مکتب را وا می‌دارد که در شاخه‌های گوناگون و هر یک در حوزه‌های علمی و فلسفی موضوع تخصص خویش وضعیت موجود را به نقد کشند. (نوذری، ۱۳۸۶: ۱۲۵)

۴۹

می‌توان پایه‌های اساسی مکتب فرانکفورت را این‌گونه بیان کرد: افکار انسان محصول جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. روشنفکران، مجاز به اتخاذ موضع بی‌طرفی نیستند. روشنفکر، وظیفه دارد حقیقت را از محتوای ارزشی آن جدا کرده و موضعی انتقادی در برابر جامعه داشته باشد. روشنفکران در برابر اندیشه خویش، از یک سو لازم است موضعی انتقادی داشته باشند و از سوی دیگر، رابطه میان اندیشه و جامعه موجود و معرفت اجتماعی نوظهور را تبیین کنند. تحقق فهم صحیح از راه ادراک رابطه متقابل میان ساختار اقتصادی جامعه و رشد روانی فرد و پدیده‌های فرهنگی حاکم امکان‌پذیر است. (شعبانی ورکی، ۱۳۸۳: ۱۰۰)

نظریه انتقادی چنان‌که از نام آن پیداست، بیشتر، انتقادی بود از جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، از ایدئولوژی و فرهنگ گرفته تا فناوری، و همچنین، انتقاد به نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی و نظریه معرفت‌شناختی اثباتی. در میان بنیان‌گذاران این مکتب بیشتر از همه چهار اندیشمند مهم و اثرگذار بودند: هورکهایمر، آدورنو، بنیامین^۳ و مارکوزه^۴ که البته هر یک از اینها، تحلیل‌های خاص خود را از جامعه و نظریه انتقادی داشتند. حتی می‌توان گفت که نظریه انتقادی واحدی، در درون این مکتب وجود ندارد. اما هورکهایمر به‌خاطر عهده‌داری ریاست مؤسسه تحقیقات اجتماعی و گسترش آن، همچنین به‌خاطر ارایه نظریه انتقادی که به‌عنوان پایه و اساس

¹ Dialectic of Enlightenment

² Manifesto

³ Benjamin

⁴ Marcuse

این مکتب پنداشته می‌شود، از اهمیت خاصی برخوردار است. (قوام، ۱۳۸۴: ۱۹۰)

مارکوزه، نظریه انتقادی را بر اساس ویژگی‌های زیر تبیین می‌نماید:

- این نظریه برای تایید خود، به واقعیات موجود متوسل نمی‌شود و به آینده چشم دارد؛

- بر اساس منطق دیالکتیک، حقیقت در ورای واقعیت ظاهری است و «هست»ها متضمن «باید»ها هستند؛

- حقیقت، متضمن ویرانگری و براندازی واقعیت موجود است؛

- منطق دیالکتیک، عینی بودن تجربه بی‌واسطه را انکار می‌کند؛

- عقلانیت ابزاری و فنی، همه چیز را به ابزار کنترل انسان و طبیعت تبدیل می‌کند و به سلطه می‌انجامد؛

- نگرش علمی (صورت‌گرایی و عمل‌گرایی)، همه چیز را کمی محاسبه کرده و در حد شیء قابل اندازه‌گیری، تقلیل می‌دهد؛

- باید به رابطه زبان با جامعه و خصلت‌های اجتماعی و تاریخی تاثیر زبان از نظام‌های متعامل (فردی) و متداخل (فرا فردی) و متعارض (اجتماعی) توجه نمود. (امیدی، ۱۳۸۳: ۶۵)

در واقع، نظریه انتقادی، یک‌دست و یک‌پارچه نیست. طرفداران متعدد آن درباره سبک و جوهره آن، اختلاف نظر دارند و این تئوری در طول زمان تغییراتی اساسی را طی کرده است. (47-Booth, 2007: 43)

یکی از بینش‌های مرکزی تئوری انتقادی این عقیده است که علم، عینی و فارغ از ارزش نیست. همان‌طور که کاکس^۱ گفته است: نظریه همیشه برای شخص خاص و برای هدف خاصی است. (Cox, 1981: 126)

نقش رسانه‌ها در عملیات روانی

اساساً عملیات روانی به پرکاربردترین اصطلاح حوزه ادبیات سیاسی و رسانه‌ای تبدیل شده است. هزینه سرسام‌آور تاخت‌وتازهای نظامی در جهان کنونی و مسئولیت پاسخ‌گویی به افکار

^۱. COX

عمومی و انباشت کینه و نفرت نسبت به برپاکنندگان جنگ، سیاستمداران دنیای معاصر را به فراست به کارگیری ابزار نوینی فراخوانده است تا بی‌هیچ محکمه وجدانی، ابزار و یراق استعمار را با رنگ و لعاب دستاوردهای تمدنی جدید در قالب علوم انسانی به پای بردگان عصر مدرنیته آراسته کنند. بنابراین از این زمان، مسابقه قدرت‌ها برای تسخیر فضای ذهنی انسان‌ها شدت یافت؛ زیرا این ملت‌ها هستند که در اولین خط مقدم حمله دشمن قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که این عقیده وجود دارد که اگر افکار و اراده عمومی را نسبت به موضوع، جریان و یا پدیده‌ای بتوان اقناع کرد و به سمت خواسته‌های خود «جهت‌دهی» کرد، مسلماً دولت‌ها تحت فشار افکار عمومی ملت‌ها، به-

سوی اهداف دشمن سوق می‌یابند و در آن جهت قرار خواهند گرفت. (حاذق نیکرو، ۱۳۸۵: ۹۱)

از طرفی، از آنجایی که اهداف و مقاصد عملیات روانی بیشتر از طریق فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی به‌ویژه رسانه‌ها قابل حصول است، به دست آوردن این سلاح نوین برای تولید قدرت از طریق اثرگذاری بر افکار عمومی به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شد. جمله مشهور «تئودور هرترزل»^۱ در نخستین کنگره جهانی صهیونیسم در شهر «بال» سوئیس، نقش بسیار اثرگذار عملیات روانی رسانه‌ای را در اعمال سلطه نشان می‌دهد: «ما هنگامی در تشکیل [دولت] اسرائیل موفق خواهیم شد که بر ابزارهای تبلیغاتی و مطبوعاتی جهان، تسلط داشته باشیم.» (امینی، ۱۳۸۲: ۸۸)

روستیک، رییس سابق اطلاعات آمریکا نیز در کتاب خود، می‌گوید: «در پایان جنگ جهانی دوم، من به سیاستمداران توصیه کردم که هر کس بر «رادیو» تسلط داشته باشد، می‌تواند بر برلین تسلط داشته باشد.» (حمیدی‌الحجار، ۱۳۸۲: ۶۷)

به‌علاوه، یافته‌های پژوهش‌گران ارتباطات نشان می‌دهد که محتوای رسانه‌های ارتباط جمعی، برنامه اجتماعی و سیاسی عموم را تعیین می‌کند. «نیل پستمن»^۲ در این ارتباط می‌نویسد: «در حقیقت، این وسایل ارتباط جمعی هستند که به گونه‌ای رو به کنایه به ما تحمیل می‌کنند که به چه بیندیشیم؛ چگونه بیندیشیم و چه، چگونه و چرا احساس کنیم.» (نیل پستمن، ۱۳۷۵: ۱۵)

^۱ Theodor Herzl

^۲ Neil Postman

«نورمن دنزین»^۱ و «داگلاس کلنر»^۲، معتقدند: «رسانه‌های جمعی نظیر تلویزیون، اندیشه‌ها و کنش‌های افراد را همانند مناسک و اسطوره‌های سنتی، نظم می‌بخشند و افراد را در بافتی اجتماعی که شامل ارزش‌ها و هنجارها و نقش‌های اجتماعی است، قرار می‌دهند و آنها را در اقتصاد، فرهنگ و سیاست یک‌پارچه می‌سازند. افراد، هویت خود را از طریق وسایل ارتباط جمعی به‌دست می‌آورند.» (لوپمی، ۱۳۸۶: ۹۵)

در واقع، تصمیمی که مردم در زندگی اتخاذ می‌کنند، به آنچه در ذهن آنها می‌گذرد بستگی دارد، که این نیز به‌نوبه خود از تصویر یا انگاره ساخته شده توسط رسانه‌ها ناشی می‌شود. تا وقتی رسانه‌ها مسئول تولید، توزیع و گسترش افکار و ترویج تصاویر و انگاره‌های خاصی در جامعه هستند و تا زمانی که افکار و اعمال مردم را این افکار شکل می‌دهند، آنها (رسانه‌ها) حاوی و اعمال‌کننده قدرت گفتمانی در جامعه هستند. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۵)

نگرانی ناشی از این موضوع موجب شده است که بسیاری از فلاسفه و اندیشمندان عالم به انتقاد از این روند بپردازند و در جستجوی راهی برای خروج از این چرخه غیرمعمول باشند، به گونه‌ای که سال‌ها پیش از این، مدیرکل پیش‌بینی یونسکو طی سخنرانی پایانی خود در کنفرانسی درباره سیاست‌های فرهنگی در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب چنین اظهار داشت: «رسانه‌های گروهی که به‌صورت یکی از عوامل اساسی گسترش فرهنگ درآمده‌اند، پیام‌هایی را پخش می‌کنند که از لحاظ فرهنگی «خنثی» نیست. آنها افکار، عقاید، ارزش‌ها و به‌طور خلاصه جهان‌بینی استفاده‌کنندگان از رسانه‌های گروهی را منعکس می‌سازند. وقتی رسانه‌های گروهی چونان مجرایی برای انتقال نظام ارزش‌ها و روش‌های زندگی که برای مردم منطقه‌ای بیگانه است، مورد استفاده قرار گیرند؛ به ناچار موجب امحای ارزش‌های آن مردم شد. از این طریق، هرچند ناخواسته به صورت ابزار بیزاری فرهنگی درخواهند آمد.» (حیدری، ۱۳۸۳: ۱۰۷) محورهای مورد توجه رسانه‌های آمریکا در زمینه حقوق بشر عبارتند از: بزرگ‌نمایی موضوع بازداشت‌شدگان، اعدام در ایران، حقوق کودک در ایران، حقوق زنان در ایران، آزادی مراسم مذهبی برای اقلیت‌ها، تبلیغ

^۱ Norman K. Denzin

^۲ Douglas Kellner

حقوق بشر غربی، آزادی بیان در ایران، و آزادی‌های مدنی. (نقیب‌السادات، ۱۳۸۹)

روش‌های عملیات روانی

تکنیک‌های جنگ روانی بسیارند که در اینجا به مهم‌ترین تکنیک‌های مورد استفاده در رسانه‌های آمریکا اشاره می‌شود.

دشمن‌سازی: روان‌شناس مشهور «سم کین» در مورد اهمیت این روش می‌نویسد: مفهوم دشمن، مؤثرترین اسلحه جامعه است. ابتدا ما دشمن را به وجود می‌آوریم، حتی قبل از اینکه به فکر اسلحه برای جنگیدن باشیم. ابتدا به کشتن آنها فکر می‌کنیم، سپس اسلحه یا موشک‌های بالستیک را می‌سازیم تا بتوانیم به واقع آنها را از بین ببریم. (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۱۵۰)

انگاره‌سازی (تصویرسازی): بر اساس این روش، آن گونه که «کارل هوسمن»^۱ تصریح می‌کند: «رسانه‌ها، فضایی ساختگی ارایه می‌کنند؛ برداشتی ذهنی از جهان که ضرورتاً با جهان واقعی منطبق نیست. در رسانه‌ها، خبر، ضرورتاً همان چیزی نیست که اتفاق می‌افتد بلکه چیزی است که منبع خبری آن را ارایه می‌دهد. (سبیلان اردستانی، ۱۳۸۴: ۲۹)

تعمیم افراطی: در تعمیم افراطی اصولاً واژه‌ها و اصطلاحاتی به کار گرفته می‌شود که به لحاظ عاطفی و مجازی تداعی‌گر مفاهیم ارزشی و اعتقادات راسخی است که ثابت کردن آنها به اطلاعات یا استدلال خاصی نیاز ندارد. البته چنین واژه‌ها و اصطلاحاتی تصورات مختلفی را در اذهان افراد مختلف متبادر می‌سازد، اما دلالت ضمنی آنها همواره مطلوب و مؤثر است. (محمدی نجم، ۱۳۸۴: ۵۰)

برچسب زدن (لقب‌سازی): اصحاب رسانه نیز مانند دیگر تبلیغات‌چیان می‌کوشند تا با القاب یا برچسب‌های مثبت و منفی برداشت اولیه ما را نسبت به موضوعات مورد نظر تحت تاثیر قرار دهند. در عصر حاضر استفاده از برچسب تروریسم به یکی از رایج‌ترین شیوه‌های عملیات روانی تبدیل شده است و می‌توان ادعا کرد که بیشتر عملیات روانی بین‌المللی آمریکا علیه دیگر کشورها با به‌کارگیری عملیات تروریستی اجرا می‌شود. (جان جاکوب نوتر، ۱۳۸۴: ۱۶۳)

^۱ Carl Hausman

وارونه کردن: به تعبیر «پترسون» رسانه‌ها با غربال‌گری، دستکاری و تحریف، اطلاعات سفید را سیاه، زشت را زیبا، اشغالگری را آزادی‌بخشی، آزادی‌خواهی را تروریسم و ... معرفی می‌کنند. (سوری، ۱۳۸۵: ۷۷)

شستشوی مغزی: شستشوی مغزی شیوه‌ای است که بر محور خرد کردن شخصیت فردی دور می‌زند؛ یعنی یک شخصیت کامل یا در حکم کامل را به مرحله متلاشی شدن و انهدام تنزل می‌دهد به‌نوعی که بتوان آن را بازیچه قرار داد و به‌صورت ابزاری در دست بازیگران فتنه درآورد. (منصورنژاد، ۱۳۸۶: ۳۵)

توسل به ترس: در این تکنیک، از حربه تهدید و ایجاد رعب و وحشت میان نیروهای دشمن، به منظور تضعیف روحیه و سست کردن اراده آنها استفاده می‌شود. (شیرازی، ۱۳۷۶)

تکرار: سلطانی فر معتقد است در این روش، با تکرار پیام، سعی در القای مقصودی معین و جا انداختن پیامی در ذهن مخاطب دارند. (سلطانی فر، ۱۳۸۲)

تظاهر به بی‌طرفی: گاهی برای تخریب سوژه مورد نظر، در ابتدا مواضع بی‌طرفانه‌ای نسبت به آن اتخاذ می‌شود، به‌طوری که دیگران تصور می‌کنند در این جریان نوعی حفظ احترام برای مخالفان و نوعی بی‌طرفی وجود دارد، در حالی که با پوشش بی‌طرفی به‌طور مؤدبانه، مطالب موردنظر خود را القا می‌کنند. (سلطانی فر، ۱۳۸۲)

اهریمن‌سازی: در تکنیک اهریمن‌سازی، مبلغ تلاش می‌کند تا تنفر و دشمنی جمعیت مخاطب را نسبت به عقیده گروه یا کشورهای خاص برانگیزد، به نحوی که اگر گروهی (از دیدگاه رسانه) سیاست خارجی را پشتیبانی کند، صرف‌نظر از درست یا نادرست بودن آن، وجهه منفی گروه حامی این سیاست را بزرگ‌نمایی می‌کند و از این طریق، بر مواضع جمعیت مخاطب اثر می‌گذارد. (محمدی نجم، ۱۳۸۴: ۵۰)

ایجاد تفرقه و تضاد: ازجمله اموری که در فرآیند عملیات روانی مورد توجه قرار می‌گیرد، تضعیف دشمن به‌ویژه به لحاظ روانی است. دشمن باید به شکست خوردن انس گیرد. آنچه در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد، ایجاد یا تلقین تضادهای مختلف در جبهه دشمن است. رسانه می‌تواند با ایجاد یا تلقین درگیری میان اقلیت‌ها، قومیت‌ها، نخبگان و حاکمیت، وحدت را بین نیروهای

دشمن متزلزل سازد.» (سپال، ۲۰۰۲)

دروغ: گوبلز^۱ می‌گوید: دروغ هرچه بزرگ‌تر باشد، باور آن برای مردم راحت‌تر است. (سلطانی‌فر، ۱۳۸۲: ۲۵)

کلی‌گویی: محتوای واقعی بسیاری از مفاهیمی که از سوی رسانه‌های غربی مصادره و در جامعه منتشر می‌شود، مورد کنکاش قرار نمی‌گیرد. تولیدات رسانه‌های غربی در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی، آکنده از ارزش‌ها و مفاهیمی مانند جهانی‌شدن، لیبرالیسم، اقتصاد باز، امنیت ملی، پلورالیسم، نظام نوین جهانی، حقوق بشر، دموکراسی، تروریسم و ... است. اینها مفاهیمی هستند که بدون تعریف مشخص، در جهت اقناع مخاطبان در زمینه‌ای مشخص به‌کارگرفته می‌شوند. (محمدی نجم، ۱۳۸۴)

گواهی: تکنیک گواهی یا استناد، عبارت از آن است که یک شخص مورد احترام یا منفور، فکر، برنامه یا سیاست معینی را تأیید یا نفی کند.» (لی، ۱۹۳۴: ۷۴)

مبالغه: کارشناسان تبلیغات از این فن در مواقع خاص و وقایع مشخص استفاده می‌کنند. بزرگ جلوه دادن توان و قدرتمندی کشور خودی و مبالغه در انعکاس نقاط ضعف دشمن، از این مقوله است. (سلطانی‌فر، ۱۳۸۲)

شایعه: بهترین شیوه برای القای پیام موردنظر فرستنده پیام، در زمان‌هایی که پخش پیام به‌طور شفاف و روشن امکان‌پذیر نیست یا در مواقعی که فکر می‌کنند با مشکلات قانونی روبه‌رو می‌شوند، استفاده از کنایه و اشاره است. (سلطانی‌فر، ۱۳۸۲)

پاره حقیقت‌گویی: خبر هنگامی کامل است که عناصر خبری در آن، به شکل کلی مطرح شوند، اما چنانچه یکی از عناصر خبری شش‌گانه (که، کجا، کی، چه، چرا، چگونه) در خبر بیان نشود، خبر ناقص است. در تاکتیک پاره حقیقت‌گویی، حذف یکی از عناصر به عمد صورت می‌گیرد و بیشتر اوقات، عنصر چرا حذف می‌شود. (سلطانی‌فر، ۱۳۸۲)

خودداری از پی‌گیری: در این شیوه مجریان رسانه‌ها و متولیان جنگ رسانه‌ای با روبه‌رو شدن

^۱ Goebbels

با یک پاسخ مخالف که انتظار آن را نداشته‌اند به سرعت موضوع بحث را تغییر می‌دهند یا برنامه را به بهانه‌ای قطع می‌کنند یا به موضوع دیگری می‌پردازند. (اتوسن، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۳)

رسانه‌های نوین ارتباطی

– اینترنت

هم‌اکنون استفاده از فناوری «اینترنت» برای عملیات روانی به یکی از کاراترین ابزار رسانه‌های غرب بدل شده است. اینترنت می‌تواند با چهار عامل، تحول و انقلابی در عملیات روانی پدید آورد: ایجاد شبکه روانی اینترنت، هماهنگی، اجرا و تحلیل تاثیر و کارایی روند عملیات روانی. (عاصف، ۱۳۸۴: ۳۷)

بی‌گمان، اینترنت در آینده بیش از پیش به‌منزله یکی از وسایل اطلاع‌رسانی و افزون بر این به‌منزله ابزاری برای نفوذ در تصمیم‌گیرندگان و هیئت‌های آنان به‌کار می‌رود. طبق گفته تحلیلگری عالی‌رتبه، میدان جنگ کنونی، افکار و اذهان مردم است و معیار برد و باخت به فرهنگ هر جامعه بستگی دارد. در واقع، سلاح‌های کشتار جمعی ما، سلاح‌های انفصال جمع‌هاست و در حال حاضر، مناطق جمعی ما «گزارش‌های خبری در اینترنت» است. طبق گزارشی در زمینه علوم دفاعی، مرکز ثقل کاربران رسانه‌ها به سرعت به سوی اینترنت گرایش می‌یابد. اکنون دیگر واژه «پخش» به‌معنای چگونگی روش کار یک رسانه نیست و مخابره برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز دیگر نقش چندانی در شکل‌دهی نظر و آرا مردم ندارد. امروزه برای ارتباط با مردم باید با استفاده از محیط اطلاعات پیشرفته بین‌المللی به اذهان آنان نفوذ یافت. اینترنت همان‌گونه که رسانه‌ای با توان تاثیرگذاری بالقوه و روزافزون است، می‌تواند برای عملیات روانی نیز ابزار مناسبی باشد. (حسن‌بیگی، ۱۳۸۴: ۱۵)

اگر به اینترنت از جنبه مخاطب و اهداف بنگریم، ظرفیت‌هایش به‌منزله ابزاری برای اجرای عملیات روانی، افزایش می‌یابد. در حال حاضر، عاملان دولتی و غیردولتی برای کسب حمایت و تأیید داخلی و بین‌المللی به صورت فزاینده‌ای به اینترنت روی آورده‌اند و از این طریق، عملیات روانی را در میان سازمان‌های بین‌المللی، قانونی جلوه می‌دهند. همان‌طور که «آرکیولا» و «رونفلد» می‌گویند: دشمنان، بیشتر علاقه‌مندند که مطالب را روی سایت قرار دهند تا اینکه از آن برداشت کنند. بنابراین، آنها می‌توانند از اینترنت برای بسیج نیروها و انتشار نظریاتشان استفاده کنند و سعی

دارند بر نظر و عقاید سایر مردم تاثیر گذارند. (شاه محمدی، ۱۳۸۲: ۱۴)

اینترنت چه برای اهداف تهاجمی و چه برای اهداف دفاعی استفاده شود، ابزار بسیار مهمی برای اجرای عملیات روانی به‌شمار می‌رود و باعث می‌شود تا نیروهای استفاده‌کننده از این رسانه به توانایی‌ها و برتری‌های اطلاعاتی چشمگیری دست یابند. کاملاً واضح است که دولت یا نهادی که کنترل، مدیریت و سازمان‌دهی اطلاعات را در دست دارد، همواره قدرتمندترین است. (ادوارد والتز، ۱۳۸۶: ۵۵)

– شبکه‌های اجتماعی

۵۷

امروزه حتی افکار عمومی از طریق تشکلهای مجازی و شبکه‌ها شکل می‌گیرد و جهت پیدا می‌کند و این تشکلهای از حقوق افراد خود دفاع می‌کنند و از طریق همین شبکه‌ها افراد تقاضای خود را به دولت‌ها منتقل و آنها را تحت فشار قرار می‌دهند. امروزه افراد و سازمان‌ها از طریق وسایل ارتباطی مردم را نسبت به مسائل حیاتی خود آگاه می‌سازند و به‌نحوی افکار عمومی را شکل می‌دهند. جنبش سبزها و فمینیست‌ها امروزه بیشترین استفاده را از وسایل ارتباط جمعی برای تحت فشار قرار دادن دولت‌ها در رعایت موازین زیست محیطی و حقوق زنان به‌کار می‌برند. سازمان‌های دفاع از حقوق بشر، کودکان، زندانیان و افراد تحت ستم امروزه از رسانه‌های ارتباطی به‌نحوی استفاده می‌نمایند که شکل‌گیری افکار عمومی، خارج از فیلترها، کانال‌ها و چارچوب رسمی دولت‌ها انجام می‌گیرد و همان‌طور که شاهدیم، دولت‌ها به‌شدت توسط رسانه‌ها کنترل می‌گردند؛ به‌نحوی که ادعا می‌گردد رسانه‌ها در جامعه مدنی صرفاً واسطه میان دولت و مردم نیستند، بلکه وظایف سایر نهادها را نیز برعهده دارند و بحث از سیاسی شدن رسانه‌ها مطرح است. (برادران، ۱۳۷۸: ۴۰۶)

در فیس‌بوک می‌توان با ایجاد و پیوستن به گروه‌های مختلف در زمینه‌های مختلف، متفاوت، سرمایه اجتماعی خویش را شکل داد. بنابراین، کسانی که خود را وابسته به فکرسیاسی خاصی تلقی می‌کنند، می‌توانند با بسیج اطلاعاتی، فرصت‌های بیشتری را برای شرکت در فعالیت‌های مدنی و سیاسی به‌وجود آورند و ایجاد روابط بر پایه اعتماد در میان اعضا به افزایش قدرت بالقوه فیس‌بوک در افزایش سرمایه اجتماعی کاربران منجر می‌شود و آنها را در ساخت سرمایه اجتماعی دخیل می‌کند. (Kobayashi et al., 2006)

شبکه‌هایی مانند اینستاگرام، تلگرام، واتس‌آپ و غیره به راحتی در تلفن‌های همراه نصب می‌شود و اخبار و مطالب به سرعت برای افراد قابل دسترسی است. بسیاری از سازمان‌ها، اشخاص و ... در کنار رسانه اینترنتی خویش، یک آدرس تلگرام نیز قرار می‌دهند.

قومیت

مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری پدیده قومیت، مهاجرت‌های گسترده قرن ۱۹۰ و ۲۰ و پایه‌گذاری کشورهای جدید در جهان سوم پس از جنگ جهانی دوم بود. (مارجر، ۱۳۷۵: ۲۲۷) تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل، در سال ۱۹۶۶ و اجرایی شدن آن در سال ۱۹۷۶ (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۳: ۹۵) باعث نضج گرفتن موج ملی‌گرایی متکی بر پدیده قومیت شد. در این دوره، ترسیم مرزها بر اساس خواست و نفوذ قدرت‌های استعمارگر بود و همین امر سبب اوج‌گیری قوم‌گرایی در کشورهای جهان سوم شد. (مویر، ۱۳۷۹: ۳۳۳-۳۳۴) نمونه مشهود آن مرز میان کشورهای جدا شده از امپراتوری عثمانی است که در آن یک گروه قومی بین چند کشور تقسیم شده است.

شکل‌گیری پدیده قومیت در ایران، از دید شکل و ساختار سیاسی با مناطق دیگر جهان متفاوت است. هرچند که تحولات جهان بر بروز این پدیده آثار زیادی گذاشته است، تاثیر سابقه تمدنی پنج هزارساله آن، به مراتب بیشتر است. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۳۰۴) در واقع پایه‌گذاری حکومت در ایران همراه با هویت‌های فضایی در ساختار سیاسی ایران، از همان ابتدا نهادینه شد و در فرآیند تاریخی استمرار یافت. (کریستین سن، ۱۳۸۵: ۲)

قوم بلوچ

استان سیستان و بلوچستان (با حدود دو درصد از کل جمعیت ایران) از دید ترکیب قومی، شامل بلوچ‌ها و سیستانی‌هاست. این دو گروه از نظر مذهبی از همدیگر تفکیک می‌شوند. سیستانی‌ها شیعه مذهب هستند و در این ویژگی با بدنه اصلی کشور سنخیت دارند و عمده بلوچ‌ها سنی مذهب بوده و در این ویژگی با بدنه اصلی کشور تفاوت دارند. (غراب، ۱۳۶۴: ۲۵) بخش زیادی از بلوچ‌ها به لحاظ

قومی با بلوچ‌های آن سوی مرز ایران اشتراک قومی و مذهبی دارند. بر اساس سرشمار رسمی سال ۱۳۸۵ از کل جمعیت ۲/۴۰۵/۷۴۲ نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶: ۱۱۳) در حدود ۹۹/۵ نفر مسلمان هستند و این استان جزو استان‌هایی با جمعیت زیاد مسلمان است. در بلوچستان ایران، شهرهای چابهار، خاش، سراوان، ایرانشهر و نیک شهر دارای جمعیت اکثریت سنی هستند.

جدول ۱. توزیع جمعیت استان سیستان و بلوچستان بر حسب ترکیب قومی و مذهبی

ردیف	شهرهای استان	ترکیب مذهبی		قومیت عمده
		شیعه	سنی	
۱	چابهار، خاش، سراوان، ایرانشهر و نیک شهر	٪۵	٪۹۵	بلوچ
۲	زابل	٪۶۰	٪۴۰	فارس
۳	زاهدان	٪۵۰	٪۵۰	بلوچ و فارس

منبع: حافظ نیا و مراد کویانی راد، ۱۳۸۵، ۳۰

قوم بلوچ در ناحیه‌ای جغرافیایی مشتمل بر جنوب شرقی ایران، جنوب غربی افغانستان و شرق پاکستان مستقر است. بلوچستان ایران، منطقه‌ای از کشور است که با ایالت بلوچستان در جمهوری فدرال پاکستان و ناحیه بلوچ‌نشین افغانستان پیوند فضایی و جغرافیایی دارد. سرزمین بلوچستان با مساحتی حدود ۱۷۵۰۰۰ کیلومترمربع در جنوب شرقی ایران واقع است. برای بیان ملموس‌تر وسعت بلوچستان، باید گفت که فاصله شهر زاهدان، در شمال آن، تا چابهار، در جنوب آن، ۷۰۵ کیلومتر و عرض آن از کوهک تا افق‌های شرقی جازموریان ۵۹۰ کیلومتر است. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱) ترکیب این سه متغیر هم‌سو بر هم‌گرایی دو بخش بلوچ‌نشین پاکستان و ایران تاثیر گذاشته و آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ را در قالب تلاش عده‌ای از نخبگان بلوچ برای کسب هویت مستقل سیاسی «بلوچستان آزاد» پدید آورده است. (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۵)

آمریکا و طرح مسئله حقوق بشر ایران

به موجب مصوبه کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا در لایحه بودجه سال ۲۰۱۰ این کشور که توسط اوباما برای اجرا ابلاغ شد، در هر سال مبلغ ۵۵ میلیون دلار برای جنگ نرم آمریکا اختصاص یافته است که این مبلغ قابل افزایش است.

در بند ۱۲۶۲ این قانون، در سه بخش تصویب شده است که به‌منظور گسترش ارتباط ایرانیان

با شبکه‌های فارسی زبان خارج از کشور، مبلغ ۱۵ میلیون دلار برای بخش اطلاعات از طریق رادیو، تلویزیون، اینترنت، موبایل، خدمات پیام کوتاه و سایر وسایل ارتباط جمعی اختصاص یافته است. مبلغ ۱۵ میلیون دلار برای ایجاد ظرفیت بیشتر برای ارسال رادیو فردا و شبکه خبر فارسی (VOA) به‌منظور مقابله با پارازیت‌ها و از طریق ارسال امواج کوتاه و متوسط اضافی، ماهواره و مکانیسم‌های اینترنتی، ایجاد ظرفیت بیشتر برای سرور پروکسی (فیلترشکن) و نرم‌افزار ضدسانسور به‌منظور مقابله با مسدود ساختن وبسایت رادیو فردا و شبکه خبر فارسی و ایجاد ظرفیت‌های لازم به‌منظور مقابله با تلاش برای قطع سیستم ارسال پیام کوتاه از طریق موبایل اختصاص یافته است. استخدام کارکنان دائم یا قراردادی برای رادیو فردا و شبکه خبر فارسی و ایجاد برنامه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان اینترنت محور از جمله یک کانال خبری فارسی‌زبان اینترنت محور، از دیگر برنامه‌های در نظر گرفته شده در این بند است. (مرکز مطالعات و پژوهش‌ها، ۱۳۸۸)

در بند ۱۲۶۳ این قانون نیز در سه بخش تأسیس، اجرا و هدف، نحوه استفاده از بودجه بیست‌میلیون دلاری برای رسانه، تعامل و آموزش الکترونیک ایرانیان با هدف حمایت از گسترش فناوری‌هایی همچون وبسایت‌های اینترنتی، تمرین آزادی بیان، آزادی کلام و آزادی مجمع از طریق اینترنت و سایر تعاملات میان مردم آمریکا و ایران بیان شده است. در بند ۱۲۶۴ که با عنوان گزارش سالانه منتشر شده، رییس‌جمهور آمریکا موظف است که ظرف مدت ۹۰ روز پس از تصویب این قانون و پس از آن، به مدت پنج سال، گزارش‌هایی از تلاش‌های آمریکا برای پخش برنامه‌های بین‌المللی ارائه دهد. (مرکز مطالعات و پژوهش‌ها، ۱۳۸۸)

در واقع قدرت‌های مؤثر در نظام بین‌المللی از جمله ایالات متحده آمریکا، تلاش دارند تا با فراتر رفتن از الگوی وستفالیایی^۱ تعاملات واحدهای ملی، سطوح تصمیم‌گیری‌های سیاسی آنان را با استفاده از دستاویزی چون حقوق بشر مورد چالش امنیت - راهبردی قرار دهند و بر این اساس مسئله‌ای چون حقوق بشر برای انجام عملیات روانی و مؤثرتر نمودن بعد رسانه‌ای اهداف امنیتی - راهبردی آمریکا، کارآمد است. حقوق بشر در رهنامه راهبردی - امنیتی نومحافظه‌کاران آمریکا در

^۱ Westphalian Model

چارچوب دیپلماسی فشار و به عنوان وجه تکمیلی اقدامات پیش‌دستی‌کننده تلقی می‌شود که اگر بازیگر چالشگر با سیاست‌گذاری‌های مدنظر آمریکا، اهداف راهبردی آن قدرت را مورد پذیرش قرار ندهد، با بهره‌گیری ادراکی - روان‌شناختی مطلوب به اهداف خودی از حقوق‌بشر، شکل نوینی از رفتار راهبردی توسط آمریکا به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد.

«کمیته خطر جاری»^۱ که اعضای آن را برجسته‌ترین عناصر سیاسی و نظامی آمریکا تشکیل می‌دهند، در مهرماه ۱۳۸۴ با توجه به استحکام نظام جمهوری اسلامی و شکست‌دها راهبرد در مقابل ملت ایران، جنگ سخت را بی‌فایده دانسته و خواستار توجه بیشتر دولت ایالات متحده به پروژه نرم‌افزاری «براندازی از درون» شدند. (<http://www.irdc.ir>)

در این کمیته گزارشی توسط «مارک پالمر»^۲ جمع‌بندی و تدوین شد که در چندین محور نسبت به موضوع حقوق بشر در ایران راه‌کار ارائه داده است.

در بند چهار این گزارش آمده است: باید برای بازگشایی سفارت ایالات متحده در تهران ابراز تمایل کنیم. هم‌زمان باید یکی از بلندپایه‌ترین مقام‌های خود را به‌عنوان فرد شماره یک، در این سیاست جدید در مقابل ایران انتخاب و معرفی کنیم. این فرد می‌تواند یکی از کنسول‌های وزارت خارجه باشد و باید به‌طور مرتب حمایت خود را از حقوق بشر و دموکراسی در ایران مورد تأکید قرار دهد. از این طریق می‌توانیم ارتباط خود را با مردم ایران تقویت کنیم.

در بند ۱۲ این گزارش همچنین آمده است: سرویس‌های امنیتی و قضایی آمریکا و متحدانش باید در همکاری با سازمان‌های حقوق بشر به جمع‌آوری مدارک و شواهدی در متهم کردن مسئولین ایرانی به مواردی شبیه میکونوس^۳ اقدام کنند. (نشریه مکتب اسلام، ۱۳۸۴)

آمریکا ادعا می‌کند ایران دارای سابقه‌ای طولانی از نقض حقوق بشر در داخل ایران است و در

¹ The committee on the present danger

² Mark Palmer

³ در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲، نه‌قر از فعالین سیاسی معاند با نظام جمهوری اسلامی ایران (رهبران کردهای ایران و Mykonos) از جمله دکتر "شرقندی" دیرکل حزب دموکرات کردستان ایران) که در رستوران "میکونوس" برلین در حال گفتگو بودند، از سوی دو تروریست کشته شدند.

این رابطه تعداد اعدام‌ها، زندانیان سیاسی بعد از انتخابات ۱۳۸۸ و ... را مطرح می‌کند و همچنین معتقد است اخیراً در خارج به‌ویژه در بحران سوریه با حمایت از بشار اسد و گروه حزب‌الله به نقض حقوق بشر به‌طور گسترده دست زده است. (Levitt, 2013)

تاکتیک جنگ روانی آمریکا در سه مرحله مختلف شامل: ۱. دیپلماسی «مدار دوم» یعنی مراودات رسمی مقامات دولت آمریکا با اپوزیسیون داخلی طرفدار حقوق بشر؛ ۲. گسترش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی همچون رادیو فردا و صدای آمریکا با محوریت نقض حقوق بشر در ایران؛ و ۳. وادار نمودن نهادهای بین‌المللی نظیر شورای حقوق بشر و کمیته حقوق بشر به اتخاذ مواضع منفی نسبت به جمهوری اسلامی ایران است. (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

راین کارکر، مدیر کل وزارت خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک، در این باره می‌گوید: «ایران کشوری حامی تروریسم است و سابقه ناشایستی در نقض حقوق بشر دارد، اقلیت‌ها در ایران در تنگنا هستند؛ ... ما از دولت ایران می‌خواهیم که به بهبود وضعیت آنها توجه نماید.» (<http://www.CNN.com/>)

اقدامات آمریکا به بهانه ارتقاء حقوق بشر در ایران

رنامه‌های سیاست خارجی ایالات متحده همواره ملاحظات حقوق بشری و دموکراسی‌سازی را یکی از محورهای خود قرار می‌دهند و در این ارتباط، نوعی رسالت حقوق بشری برای آمریکا ترسیم می‌کنند. رنامه‌هایی از قبیل طرح خاورمیانه بزرگ (حسینی، ۱۳۸۳: ۹۸) و به این بهانه اقداماتی مانند موارد زیر را در کشوری مانند ایران انجام می‌دهند:

یک. برجسته کردن و حمایت از فعالیت سازمان‌های غیردولتی (NGO) مانند: انجمن وکلا، حقوق زنان و ... و ارایه گزارشات حقوق بشری؛

دو. حمایت از آزادی بیان ایران با تقویت خدمات اینترنتی در قالب شبکه‌های اجتماعی و ارایه نرم‌افزارهایی برای غلبه بر فیلترینگ اینترنت و ماهواره؛

سه. مطرح کردن وضعیت حقوق بشری ایران توسط مقامات بلندپایه آمریکا در دیدارهای دوجانبه با ایران؛

چهار. تحت فشار قرار دادن ایران در کنفرانس‌های بین‌المللی و وارد کردن بحث حقوق بشری

در مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵. (Takeyh, 2014)

دولت آمریکا با استانداردهای دوگانه در برابر نقض حقوق بشر در جهان همواره ایران و بعضی از کشورهای مخالف با نظم هژمونیک را کشورهای معرفی کرده است که در آنها حقوق بشر نقض می‌شود. آنها در چارچوب این نظام هژمونیک حتی سازمان‌های بین‌المللی را نیز با خود همراه کرده‌اند. (خان بیگی، ۱۳۹۰: ۲)

گروه‌های معاند بلوچ و طرح مسائل حقوق بشری

— رسانه‌های وابسته به غرب

یکی از کانون‌های فعال در زمینه معرفی ایران به‌عنوان ناقض حقوق بشر، رسانه‌های غربی و ضدانقلاب است. در این راستا اخبار با مضامین حقوق بشر، به‌صورت روزانه علاوه بر زبان فارسی به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، کردی، عربی، ترکی و بلوچی در وبسایت‌ها، مجموعه همراه با عکس، ویدئو و فایل صوتی و اسناد متنی منتشر می‌شود. همچنین رادیو فردا، فارسی وان، بی.بی.سی، شبکه VOA و سایر رادیوها و تلویزیون‌های ماهواره‌ای به‌طور ویژه در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران به سخن پراکنی مشغول هستند. (گروه مطالعات دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۸۰)

شبکه تلویزیونی صدای آمریکا که در چارچوب سیاست‌های وزارت امور خارجه این کشور عمل می‌کند، سعی دارد به تکرار مخالفان جمهوری اسلامی، امکان خودنمایی دهد. بر این اساس یک روز از «رضا پهلوی» فرزند شاه سابق که یک سلطنت‌طلب است، دعوت می‌کند که دعای تحویل سال را بخواند و روز دیگر از «معدوم عبدالمالک ریگی» که در جنوب شرقی ایران دست به اعمال تروریستی می‌زند، مصاحبه می‌گرفت. در یکی از برنامه‌های میزگرد این شبکه، ریگی که مسئول ده‌ها گروه‌گانی‌گیری و حملات تروریستی بود، به‌عنوان رهبر یکی از گروه‌های «مقاومت مسلح ملی» معرفی می‌شود. تلویزیون نیمه‌حرفه‌ای صدای آمریکا آشکارا اعلام می‌کند که از موضع یک دولت خارجی در صدد دخالت در امور داخلی ایران است. این در شرایطی است که دولت آمریکا از یک‌سو موضعی خصمانه علیه ایران اتخاذ کرده و از سوی دیگر، بر نیت خیرخواهانه و دلسوزانه خود برای مردم ایران تأکید می‌ورزد. (محمدی، ۱۳۹۱)

◆ فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکا‌شناسی، اسرائیل‌شناسی، سال هجدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵

«عبدالستار دوشوکی»، رییس مرکز مطالعات بلوچستان در لندن و از بنیان‌گذاران «جبهه متحد بلوچستان ایران» است که سایت‌های «ایران‌گلوبال»، «العربیة.نت»، «بی‌بی‌سی» و ... مطالب وی را انتشار می‌دهند.

«دوشوکی» در جدیدترین مطلب خویش در سایت «ایران‌گلوبال» به حمایت جدی بعضی از افراد در کنگره آمریکا برای پخش برنامه به «زبان بلوچی» توسط «صدای آمریکا» پرداخته و با اشاره به جمعیت بلوچ‌ها که تعداد آنها را «بیش از ۱۷ میلیون بلوچ» عنوان نموده، از تبعیض صداوسیما جمهوری اسلامی نسبت به زبان «بلوچی» انتقاد نموده و نوشته است: «چرا در شرایطی که از پول مردم ایران از جمله بلوچ‌ها، برای پخش برنامه به بیش از ۳۳ زبان هزینه می‌شود، علیه زبان بلوچی تبعیض آشکار صورت می‌گیرد. وانگهی اگر به‌عنوان مثال «صدای آمریکا» تصمیم بگیرد که در کنار بقیه زبان‌ها، برنامه به زبان بلوچی نیز داشته باشد، جمهوری اسلامی حق اعتراض نخواهد داشت.» (<http://iranglobal.info>)

در پنجاه و هشتمین شماره از ماهنامه خط صلح، نشریه تخصصی حقوق بشر که نگاهی به کارنامه ده ساله «مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران» می‌باشد؛ «حبیب‌الله سربازی» در مطلبی با عنوان «بلوچستان و هرانا در سه نگاه» در مورد تاثیر انعکاس اخبار قوم بلوچ در خبرگزاری «هرانا» نوشته است: به جرئت می‌توانم بگویم که مجموعه فعالان حقوق بشر ایران و مشخصاً تیم وبسایت خبری هرانا در این مدت بارقه امید مردم بلوچستان بودند... گرچه فعالان مستقل و انجمن‌ها و کانون‌های مدافع حقوق بشر دیگری نیز فعالیت بسیار خوب و میمونی دارند، اما هیچ کدام در هیچ یک از مقاطع (دست‌کم این سه سال که کمپین فعالین بلوچ وارد عرصه فعالیت شده است) همانند هرانا با مردم بلوچ همراهی نکرده و در شکستن قفل مرکزگرایی و سکوت رسانه‌ای موفق‌تر عمل نکرده‌اند. (ماهنامه خط صلح، ۱۳۹۴)

در جدیدترین تحركات، شبکه صدای آمریکا یکشنبه، ۱۱ مهرماه ۱۳۹۵ میزبان «ناصر بلیدهای» که خود را «رییس سازمان اقلیت‌های بدون نمایندگی» و «سخنگوی حزب مردم بلوچستان»، معرفی می‌کرد، بود. وی در خصوص فعالیت‌های خود می‌گوید که در کنگره آمریکا حاضر شده و به نمایندگان آمریکایی گزارش‌هایی مبنی بر فعالیت‌هایشان بر ضد نظام مقدس اسلامی را داده تا

◆ *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی، اسرائیل‌شناسی، سال هجدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵*

حمایت هرچه بیشتر این نمایندگان و دولت آمریکا را فراهم آورد. وی در این مصاحبه می‌گوید که بسیاری از نمایندگان کنگره آمریکا از «بلوچستان مستقل» حمایت می‌کنند و ما در کنگره در حال رایزنی هستیم که نمایندگان را نسبت به وضعیت مردم بلوچستان و سیر کلی رفتار حاکمیت ایران با این منطقه از ایران واقف کنیم. (<http://www.empireoflies.ir>)

فعالیت در شبکه‌های مجازی

۶۵ یکی از عللی که سبب فعالیت‌های گسترده اپوزیسیون و شورشیان می‌شود، این است که آنها درصدد کسب حمایت داخلی مردمی در مبارزه با دولت هستند. رهبران تروریست‌ها همواره نیاز به توجیه اقدام ضد مردمی خود دارند. در غیر این صورت، حمایت عمومی را از دست خواهند داد. شورشیان و تروریست‌ها اغلب در پی مشروع جلوه دادن اقدام به خشونت هستند. (کورمونت، ۱۳۸۵)

فعالان رادیکال بلوچ که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، در شبکه‌های مجازی فعالیت زیادی دارند. بیشتر آنها وبلاگ دارند و در فیس‌بوک، تلگرام و ... مطالبی درباره نقض حقوق قوم بلوچ می‌نویسند. از سوی دیگر، گروهک‌هایی معاند مانند جیش‌العدل، جیش‌النصر برای مشروعیت‌بخشی به فعالیت‌های خود دارای وبلاگ، سایت و صفحاتی در شبکه‌های اجتماعی می‌باشند. علاوه بر فعالیت‌های نوشتاری، گروه‌های تروریستی مانند جیش‌العدل از عملیات تروریستی خویش، ویدئو تهیه می‌کنند و به راحتی آن را در یوتیوب قرار می‌دهند و از شبکه‌های مجازی برای یارگیری و تبلیغ عقاید خویش استفاده می‌نمایند.

سایت «کمپین فعالین بلوچ» با مدیریت «حبیب‌الله سربازی» در «گزارش سالیانه موارد حقوقی بلوچستان ایران - ۱۳۹۳» که به تاریخ ۱۵ دی ۱۳۹۴ منتشر نموده است؛ در مورد اهداف خویش آورده است: کمپین فعالین بلوچ در سال گذشته نیز نهایت تلاش خود را جهت جمع‌آوری گزارشات و موارد نقض حقوق شهروندان بلوچ در ایران نموده است. این کمپین از مهرماه ۹۲ فعالیت خود را آغاز نموده است. (<http://www.balochcampaign.info>)

علاوه بر افرادی مانند «حبیب‌الله سربازی» که از تربیون‌های مختلفی برای آنچه دفاع از حقوق

قوم «بلوچ» نامیده‌اند، فعالیت می‌نمایند، سایت «گروه حقوق بشر بلوچستان» (<http://www.bhrg.info>) در دوم اسفند ۱۳۹۴ آغاز به کار نموده و در مورد اهداف خویش نوشته است: ما با همکاری فعالین حقوق بشر در داخل بلوچستان، مدارک و شواهد قابل اطمینان و مستند را جهت شناسایی قربانیان به کار می‌گیریم تا بتوانیم مستندتر و علمی موارد نقض حقوق بشر در بلوچستان را به سازمان ملل گزارش نماییم.

معرفی مولوی «عبدالحمید اسماعیل‌زهی» (امام جمعه اهل سنت مسجد مکی زاهدان) از سوی کانون مدافعان حقوق بشر به‌عنوان برنده جایزه «تلاشگر حقوق بشر» سال ۱۳۹۳ هجری شمسی (سایت «کانون مدافعان حقوق بشر»، ۹۳/۱۰/۰۲) نیز در راستای عملیات روانی رسانه‌های معاند برای بزرگ‌نمایی مسائل حقوق بشری قوم بلوچ استان سیستان و بلوچستان در اذهان مردم جهان می‌باشد. کانون مدافعان حقوق بشر در سال ۱۳۸۱ بدون اخذ پروانه فعالیت از وزارت کشور، در سه محور انتقاد به پیگرد جاسوسان و وابستگان اطلاعاتی غرب، دفاع رایگان از این متهمان و کمک به خانواده چنین زندانیانی، آغاز به فعالیت کرده است و به طور متوسط هفته‌ای دو اعلامیه علیه نهادهای قانونی جمهوری اسلامی ایران صادر نموده است. (www.gerdab.ir)

نتیجه گیری

مسائل و مشکلات داخلی و احساس تبعیض بستر مناسبی را برای پیوستن افراد به شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مخالف فراهم می‌کند. سیستان و بلوچستان به‌عنوان جوان‌ترین استان کشور در زمره استان‌های کمتر توسعه‌یافته محسوب می‌شود که در برخی از شاخص‌های توسعه‌نیافتگی مقدم است. بیکاری و فقر شدید باعث می‌شود که بعضی از افراد طعمه خوبی برای اهداف دشمنان ایران باشند. با اینکه مردم سیستان نیز شرایطی نسبتاً مساوی با مردم بلوچ در استان دارند، ولی شکاف قومی - مذهبی باعث می‌شود که دشمن ریشه تمام مشکلات موجود را در قومیت و مذهب آنها معرفی نماید.

سرمایه‌گذاری کلان آمریکا در رسانه‌ها، بومی بودن اینترنت در این کشور و حمایت از فعالان قومی بلوچ، ابزارهای بسیار مناسبی برای ایجاد عملیات روانی علیه ایران و تحریک برای

تجزیه‌طلبی و شورش است. آمریکا دریافته است که دفاع از حقوق اقوام ایران، باعث هم‌گرایی آنها و قوی شدن جبهه مخالف ایران می‌شود. برجسته‌سازی مسئله حقوق بشر و دفاع از حقوق اقوام توسط آمریکا در دستور رسانه‌های آنان قرار گرفته است. استفاده از تکرر قومی - مذهبی در ایران و شرایط نامساعد فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی، خوراک مناسبی برای تضعیف جایگاه دولت توسط رسانه‌های آمریکا ایجاد نموده است. سیاست‌های دولت در مناطق توسعه‌نیافته‌ای مانند سیستان و بلوچستان نقش مهمی در تغییر نگاه قوم بلوچ و ایجاد احساس وفاداری ملی در آنها دارد.

۶۷

مواردی برای کم کردن اثرات عملیات روانی آمریکا با استفاده از حربه حقوق بشر و نقض حقوق قوم بلوچ پیشنهاد می‌شود؛ از جمله، برپایی مطلوب عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای کاهش شکاف قومی - مذهبی؛ ایجاد ظرفیت بیشتر اشتغال، توانمندسازی و رفع محرومیت‌های اقتصادی؛ فراهم نمودن زمینه بیشتر امکانات و تسهیلات آموزشی برای تحصیل؛ استفاده بهینه‌تر از نخبگان و فرهیختگان قوم بلوچ در اداره مناطق بومی با طرح‌ریزی‌های حساب‌شده و هدفمند؛ معرفی و ارایه خدمات انجام شده نظام برای استان در رسانه‌های ایران؛ برگزاری نوبه‌ای همایش‌هایی با حضور علما و روشنفکران قوم بلوچ و تبیین اهداف پنهان آمریکا؛ جلوگیری از برخوردهای قهرآمیز با مطالبات قومی؛ ایجاد نشست‌هایی برای برخورد چهره به چهره با مردم و شنیدن مسائل و گرفتاری‌هایشان و رسیدگی فوری برای رفع این مشکلات؛ رصد تبلیغات و سوءاستفاده‌های رسانه‌های آمریکا از مسائل قوم بلوچ و روشنگری حقایق در رسانه‌های داخلی؛ تلاش برای اعتمادسازی و فراهم نمودن تسهیلات برای استفاده مردم از رسانه‌های داخلی به‌خصوص در جدار مرز؛ انعکاس مشکلات و مطالبات مردم توسط رسانه‌های محلی و تدارک شیوه‌هایی برای رفع آن؛ و پرهیز از اختلافات قومی - مذهبی و ایجاد هم‌گرایی و وحدت برای آبادانی و رشد استان سیستان و بلوچستان با همکاری مردم و مسئولان.

از سویی، بر اساس چارچوب نظری این پژوهش و آنچه به عنوان تجزیه و تحلیل داده‌های این نوشتار ذکر شد، در گفتمان حقوق بشر آمریکا نوعی تناقض عمل‌گرایانه و محتوایی نهفته است. از یک طرف خود به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ناقضین تاریخ حقوق بشر در جهان متهم هستند و از سوی دیگر سعی در بهره‌گیری از ظرفیت حقوق بشری علیه کشورهای نظیر ایران هستند. به نظر

می‌رسد در طرح‌ریزی ضد عملیات روانی آمریکا علیه ایران، اقداماتی نظیر کشف سازوکارهای اجرایی و عملیاتی، تحلیل شگردها و حرب‌های روانی، زمینه‌های بهره‌برداری اطلاعاتی از عناصر داخلی و خارجی برای فشار و هجمه سنگین علیه حاکمیت ایران به‌خصوص در موضوع قوم بلوچ می‌تواند راه‌گشایی برای خنثی‌سازی و تجزیه و تحلیل این دست اقدامات باشد.

همانطور که ذکر شد، در تقابل کشورها با هم افکار انسان‌ها محصول تعامل آن در جامعه در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه کشف حقیقت از میان محتوای فضای مجازی و حقیقی فعلی که آمیختگی شدیدی با حرب‌های جنگ روانی دارد، بسیار دشوار است و ظرفیت اثرگذاری بر طیف خاکستری جامعه را بیش از پیش افزایش داده است.

عملیات روانی آمریکا علیه ایران در موضوع حقوق بشر با نگاه به آینده همراه بوده است. از همین روی در مواجهه و تقابل با آن باید طرح‌ها و ایده‌هایی بنیادین با نگاه توسعه‌ای و آینده‌نگر لحاظ شود. باید ضمن تحلیل گفتمان و محتوای «عملیات رسانه‌ای» آمریکا علیه ایران، میزان تاثیرگذاری و نقاط آسیب‌پذیر آن به‌خصوص در جامعه مخاطب داخلی سنجیده و برای رفع خلاءهای موجود و خنثی‌سازی نقاط آسیب‌پذیر، پروژه‌هایی هماهنگ، قابل اجرا و تحقق‌پذیر تعریف شود.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. اتوسن (۱۳۸۲)، جنگ نرم ۲ (ویژه جنگ رسانه‌ای)، تهران، انتشارات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۲)، «فکار عمومی آمریکا و عملیات روانی دستگاه حکومتی و تبلیغاتی آن کشور برای مجاب‌سازی»، *فصلنامه عملیات روانی*، سال اول، شماره ۲.
۳. امید، مهدی (۱۳۸۳)، «نظریه انتقادی در روابط بین‌الملل با رویکرد تطبیقی»، *مجله معرفت*، شماره ۷۹.
۴. امینی، آرمن (۱۳۸۲)، «مطبوعات به مثابه ابزار عملیات روانی صهیونیسم»، *فصلنامه عملیات روانی*، سال اول، شماره ۲.
۵. برادران شرکا، حمیدرضا (۱۳۷۸)، *نقش دولت در جهان در حال تحول*، بانک جهانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول.
۶. برادن، کتلن و شلی، (۱۳۸۳)، *ژئوپلیتیک فراگیر*، ترجمه علیرضا فرشچی و رهنما، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ.
۷. بنی‌هاشمی، م. (۱۳۸۳)، «رژیم‌های جهانی و وضعیت تکامل حرکات قومی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، جلد ۷، شماره ۲۳، ص ۹۵.
۸. بیابان‌نورد، علیرضا (زمستان ۱۳۸۳)، «مبانی تئوریک عملیات روانی در الگوهای علوم اجتماعی؛ تبارشناسی مفهوم سلطه در ذهنیت‌های پیشامدرن، مدرن و پسامدرن»، *فصلنامه علمی تخصصی عملیات روانی*، شماره ۷.
۹. پستمن، نیل (۱۳۷۸)، *زندگی در عیش، مردن در خوشی*، ترجمه صادق طباطبایی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۰. پیشگاهی فرد، زهرا (پاییز ۱۳۸۵)، «تحلیل چالش‌های جامعه ایران از منظر جغرافیای سیاسی»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، سال سی‌وهشتم، شماره ۵۷، ۸.
۱۱. جاکوب نوتر، جان (۱۳۸۴)، *عملیات سیاه سازمان جاسوسی آمریکا: اقدام پنهان، سیاست خارجی و دموکراسی*، ترجمه معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر (ع)، تهران: انتشارات دانشکده امام باقر (ع).
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۳)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: بنیاد راستا.
۱۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۷)، *تبلیغات و جنگ روانی*، ترجمه حسین حسینی، پژوهشکده علوم دفاعی.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، *فلسفه حقوق بشر*، قم: نشر اسراء.
۱۵. حاذق نیکرو، حمید (۱۳۸۵)، «جنگ رسانه‌ای»، *فصلنامه عملیات روانی*، سال چهارم، شماره ۱۴.
۱۵. حافظ‌نیا و کلویانی راد، مراد (۱۳۸۵)، «نقش هویت قومی در وحدت ملی» (مطالعه موردی: قوم بلوچ)، *نشریه دانشگاه اصفهان*، شماره یک، ۱۵-۴۶.
۱۶. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت، ج ۱، ۱۷۳.
۱۷. حسن‌بیگی، ابراهیم (۱۳۸۴)، *حقوق و امنیت در فضای سایبر*، تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۱۸. حسینی، حسن (۱۳۸۳)، *طرح خاورمیانه بزرگ‌تر: القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا*، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
۱۹. حمدی‌الحجار، محمد (۱۳۸۲)، «عملیات روانی آمریکا علیه کشورهای اسلامی»، ترجمه حسین قربانی، *فصلنامه عملیات روانی*، سال اول، شماره ۳.
۲۰. حیدری، غلامحسین (۱۳۸۳)، «ژئوپلیتیک فرهنگی یا ژئو کالچر»، *مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی ژئوپلیتیک ایران*،

تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.

۲۱. خان بیگی، سمانه، (۱۳۹۰)، «دیواری به بلندی نقض حقوق بشر» (جنبش وال استریت و نقض حقوق بشر در آمریکا)، مجله زمانه، شماره ۱۰۵-۱۰۶.
۲۲. ذاکریان، مهدی (۱۳۸۳)، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی، تهران: میزان.
۲۳. راغب اصفهانی، (۱۴۱۲) ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
۲۴. سبیلان اردستانی، حسن (۱۳۸۴)، «رویکردی تئوریک به عوامل شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی»، فصلنامه عملیات روانی، سال سوم، شماره ۹.
۲۵. سربازی، حبیب‌الله (اسفندماه ۱۳۹۴)، «بلوچستان و هرانا در سه نگاه»، ماهنامه حقوق اجتماعی خط صلح، سال ششم، شماره ۵۸، ۳۱.
۲۶. سلطانی‌فر، محمد و شهناز هاشمی (۱۳۸۲)، پوشش خبری، تهران: انتشارات سیمای شرق.
۲۷. سوری، جواد (۱۳۸۵)، «نقش فناوری‌های نوین ارتباطی در عملیات روانی»، فصلنامه عملیات روانی، سال سوم، شماره ۱۲.
۲۸. سیمپسون، کریستوفر (۱۳۹۳)، «علم زور» - ارتباط پژوهی و جنگ روانی ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۰ - ترجمه: محسن بدره، مهدی یوسفی، نشر آرما.
۲۹. شاه‌محمدی، عبدالرضا (تابستان ۱۳۸۲)، «وسایل ارتباطی سربازان اصلی میدان جنگ‌های نوین»، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۴.
- شعبانی ورکی، بختیار، (۱۳۸۳)، «آموزش و پرورش و انسانی شدن: نظریه انتقادی پائولو فریره»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۸.
۳۰. شیرازی، محمد (۱۳۷۶)، جنگ روانی و تبلیغات، مفاهیم و کارکردها، تهران: انتشارات نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۳۱. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۳۲. طبرسی، امین‌الاسلام (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چ سوم.
۳۳. عاصف، رضا (۱۳۸۴)، «عملیات و جنگ روانی»، قم: معاونت اطلاعات ستاد مشترک سپاه و معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح، چاپ اول، جلد ۱.
۳۴. علمایی، داوود، حیدری، عبدالحمید (۱۳۸۸)، عملیات روانی، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۳۵. عمید، حسن (۱۳۶۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۶. غراب، ک، (۱۳۶۴)، حافظه بلوچستان از قرون گذشته، تهران: انتشارات کیهان.
۳۷. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴)، روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.
۳۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ج ۱.
۳۹. کریستین سن، ا. (۱۳۸۵)، ایران در دوره ساسانیان، ترجمه حسن رضایی باغ‌بیدی، تهران: انتشارات صدای معاصر.
۴۰. کورمون، بارتملی؛ کوربینکار، دار (۱۳۸۵)، جنگ‌های نامتقارن: درگیری‌های گذشته و امروز، تروریسم و تهدید جدید، ترجمه: علی سجادی‌انصاری و غلامرضا آتش‌فراز، تهران: نشر آجا.
۴۱. گروه مطالعات دانشکده امنیت ملی، (۱۳۸۸)، تهدیدات رسانه‌ای، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

۴۲. لویمی، خالد (۱۳۸۶)، «مقایسه کاربرد فنون جنگ رسانه‌های در دو شبکه ماهواره‌های خبری العالم و الحره»، فصلنامه عملیات روانی، سال پنجم، شماره ۱۷.
۴۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۴. مجتهدزاده، پ. (۱۳۸۱)، *ژئوپلتیک و جغرافیای سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.
۴۵. محمدی، عباس (زمستان و بهار ۱۳۹۱-۹۲)، «جنگ نرم رسانه‌های امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مقابله»، فصلنامه عملیات روانی، سال نهم، شماره ۳۵.
۴۶. محمدی نجم، حسین (۱۳۸۴)، «متقاعدسازی و افکار عمومی در رسانه‌های غربی»، فصلنامه عملیات روانی، سال سوم، شماره ۹.
۴۷. محمودی، علیرضا، تابستان ۱۳۸۶، «حقوق بشر ابزار جنگ نرم آمریکا»، فصلنامه علمی - تخصصی عملیات روانی، سال چهارم، شماره ۱۶.
۴۸. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، *سالنامه آماری کشور*، سازمان آمار ایران.
۴۹. مرکز مطالعات و پژوهش‌های بسیج دانشجویی (۱۳۸۸)، *دست چینی و دستکش مخملی*، بررسی نقش غرب در حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، تهران: سازمان بسیج دانشجویی.
۵۰. منصورنژاد، محمود (۱۳۸۶)، «تحلیلی بر جنگ روانی با تاکید بر کتاب و سنت»، فصلنامه عملیات روانی، سال چهارم، شماره ۱۶.
۵۱. موحد، محمدعلی (۱۳۸۱)، *در هوای حق و عدالت*، نشر کارنامه.
۵۲. مویر، ر. (۱۳۷۹)، *جغرافیای سیاسی - تعریفی جدید*، ترجمه د. میرحیدری، تهران: مؤسسه جغرافیای ارتش.
۵۳. مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۷)، *رسانه‌ها و بازتابی*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۵۴. مهرپور، حسین (۱۳۷۸)، *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، تهران: نشر اطلاعات.
۵۵. «براندازی نرم با پوشش دفاع از حقوق بشر» (۱)، (۱۳۸۴)، نشریه مکتب اسلام، شماره ۳.
۵۶. نصر، صلاح (۱۳۸۱)، *جنگ روانی*، ترجمه: محمود حقیقت‌کاشانی، تهران: سروش، چاپ دوم.
۵۷. نقیب‌السادات، سیدرضا (پاییز ۱۳۸۹)، «تهدیدهای رسانه‌های غرب و نقش بسیج در رفع تهدیدها»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال سیزدهم، ش ۴۸، پاییز.
۵۸. نودری، حسینعلی (۱۳۸۶)، *نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: نشر آگاه.
۵۹. والتز، ادوارد (۱۳۸۶)، *جنگ اطلاعات: اصول و عملیات*، مترجمین: اکبر رنجبر، حسن خادم، محمد فخرایی، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

60. Booth, K. (2007), *Theory of world security*, Cambridge: Cambridge University Press.

61. Cox, R, (1986) , *Social forces, states and world orders: Beyond International Relations Theory*, in R. Keohane, ed. , Neorealism and its Critic, New York: Colombi University Press.

62. John Arquilla and David Ronfeldt, (1996) ,*The Advent of Netware*, RAND, MR - 678 - OSD.

63. Kobayashi, T. , Ikeda, K. i. , & Miyata, K, (2006) , *Social capital online: Collective use of the Internet and reciprocity as lubricants of democracy*. Information, Communication & Society, 9.
64. Lamp, Christopher J, (2005) , *Review of psychological operations: Lesson Learned from Recent operations Experience*, 65. Washington D. C: National Defense University press.
66. Lee A. M, and E. B Lee, (1939) , *The Fine Art of Propaganda: A Study of Father Coughlin's Speeches*. New York; Harcourt, Brace, and company.
67. Levitt , Matthew (May 30, 2013) , *Iranian Support for Terrorism and Violations of Human Rights*, the Washington Institute for Near East Policy.
68. Marjer, M, (1996) , *Ethnic Politics, Selected Articles Political - Security, Social Research Publication*, New York.
69. Sepal. Tina, (2002) , *New Wars and Old Strategies: From Traditional Propaganda to Information Warfare and Psychological Operation*, Finland.